

هفت خوان مهم در انتخاب همسر

دنبال همسر مناسب هستید؟ آرزو دارید شریک زندگی تان را پیدا کنید و کسی در شان و مرتبه خودتان همدم بقیه عمرتان شود؟ برای این کار باید قبل از هر چیز از هفت خوان بگذرید!



سلامت نیوز: دنبال همسر مناسب هستید؟ آرزو دارید شریک زندگی تان را پیدا کنید و کسی در شان و مرتبه خودتان همدم بقیه عمرتان شود؟ برای این کار باید قبل از هر چیز از هفت خوان بگذرید!

هفت خوان ازدواج

1) قدم اول این است که خودتان را درست بشناسید و مطمئن باشید که واقعا تصمیم دارید ازدواج کنید یا نه و اگر پاسخ مثبت است به چه دلیل؟ بخاطر پول؟ ظاهر طرف مقابل؟ شخصیتش؟ یا صرفا برای اینکه از خانه پدری فرار کنید؟ کسی که خودشناسی می کند، برای زندگی خودش هدف قایل می شود، برنامه ریزی می کند، آرزوهایش را روی کاغذ می آورد و جاهای خالی زندگی اش را شناسایی می کند.

کسی که خودش را خوب می شناسد، کمتر تحت تاثیر حرف دیگران مسیر زندگی اش را تغییر می دهد و دوست دارد خودش بداند با زندگی اش چه کار می کند. به عنوان مثال، یک دختر 17 ساله دوست دارد در سن 30 سالگی جراح زنان و زایمان باشد، در شیراز زندگی کند و یک بچه داشته باشد.

اولا این که کسی که می خواهد پزشک متخصص بشود، باید همسری انتخاب کند که شرایط بخصوص شغلی او را درک کرده و بتواند او را حمایت کند. از سوی دیگر شاید لازم نباشد او هم جراح باشد اما باید از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشد. در ضمن، برای چنین دختری که زودتر از 30 سالگی نمی خواهد بچه دار بشود، ازدواج زودرس یا حاملگی زودرس مزیت خاصی ندارد. در ضمن اینکه دوست دارد در شیراز زندگی کند، تا حدی تکلیف خواستگاری که می خواهد او را به تبریز یا کانادا ببرد را مشخص می کند. با خودتان رو راست باشید، و در تصمیمتان راسخ باشید.

2) مرحله دوم این است که همسر آینده تان را بر اساس خواسته ها و موقعیت فعلی خود تصور کنید. تصور کردن همسر ایده آل با توجه به آرزوهایتان نسبتا راحت است. همیشه از خودتان این سوال را بپرسید: آیا من برای شخصی که به عنوان همسر ایده آل خودم تصور کرده ام، همسر ایده آلی هستم؟ خیلی ساده است. هر ترازویی دو کفه دارد. اگر می خواهید کفه طرف مقابلتان سنگین باشد، ابتدا باید کفه طرف خودتان را سنگین کنید. کسی که می خواهد با یک فرد تحصیل کرده هندوستان ازدواج کند، بهتر است خود نیز تحصیل کرده و هنر دوست باشد.

3) در مرحله سوم باید یکسری معیارهای غربالگری اولیه برای همسریابی انتخاب کرده و آنها را آزمایش کنید. رایجترین معیارهایی که برای این منظور به کار می روند عبارتند از: تفاوت سن، تفاوت قد، تفاوت ظاهر، تفاوت تحصیلات، تفاوت طبقاتی، تفاوت قومی، تفاوت زبانی و در نهایت تفاوت دینی. نکته مهم این است: این شما هستید که تعیین می کنید یک ویژگی برایتان مهم است یا خیر.

مثلا برای یک نفر ممکن است ازدواج درون قومی خیلی مهم باشد ولی برای کس دیگر اصلا اهمیت نداشته باشد. نکته دیگر این است که تفاوت آدمها در یک قالب نسبی مطرح می شود تا مطلق. مثلا به نظر یک نفر قد 170 کوتاه است و به نظر شخص دیگری ایده آل است. پژوهش ها نشان دادند که کسانی که حرف مردم برایشان مهم است بیشتر به ظاهر طرف مقابلشان اهمیت می دهند.

قدم اول این است که خودتان را درست بشناسید و مطمئن باشید که واقعا تصمیم دارید ازدواج کنید یا نه و اگر پاسخ مثبت است به چه دلیل؟ بخاطر پول؟ ظاهر طرف مقابل؟ شخصیتش؟ یا صرفا برای اینکه از خانه پدری فرار کنید؟

4) مرحله چهارم عبارتست از دیدن و دیده شدن برای ایجاد جاذبه اولیه. در کشورهایی که محیط های مختلط کمتر است، پسرها ممکن است به کمک مادر و خواهرانشان برای پیدا کردن همسر مناسب متوسل شوند. ولی متاسفانه چنین امکانی برای اکثر خانمهای جوان کمتر وجود دارد. به همین دلیل توصیه من این است که محیط کار، تحصیل یا تفریح خود را به گونه ای انتخاب کنید که حداکثر

احتمال ممکن را برای دیده شدن توسط همسر احتمالی آینده تان به شما بدهد. به عنوان مثال کسی که می خواهد با یک موسیقیدان ازدواج کند، یا در کلاسهای متعدد موسیقی شرکت می کند یا عضو انجمنی می شود که موسیقی دانان معمولاً عضو آن می شوند. کار دیگری که می توانید بکنید این است که چند خصوصیت اصلی که برای همسر آینده تان در نظر دارید به نزدیکان و دوستان بگویید ممکن است آن ها فردی را با این مشخصات بشناسند و یا در آینده اگر با چنین کسی برخورد کنند بلافاصله به یاد شما می افتند و می توانند نقش معرف را داشته باشند.

5) مرحله بعد یا دوست شدن با کسی است که فکر می کنید ممکن است با او ازدواج کنید یا خواستگاری کردن از این فرد است. در بسیاری از جوامع (چه شرقی و چه غربی) معمولاً خواستگاری توسط جنس مرد صورت می گیرد و معمولاً یک زن نمی تواند از یک مرد تقاضای دوستی و یا ازدواج بکند وگرنه به سبکی متهم می شود. به هر حال، فراموش نکنید وقتی با کسی به قصد ازدواج دوست شدید یا از او خواستگاری کردید، فکرتان فقط مشغول ظواهر امر (مانند کافی شاپ رفتن و کادوهای رمانتیک دادن یا نحوه چای آوردن عروس خانم موقع خواستگاری و مراسم عروسی) نباشد. به اصل موضوع دقت کنید.

6) مرحله ششم که به نظر من مهمترین مرحله انتخاب همسر است، بردن نهایت استفاده از فرصتها برای شناخت بهتر همسر احتمالی تان از طریق برقراری ارتباط کلامی یا غیر کلامی می باشد. امروزه حتی خانواده های نسبتاً سنتی و مذهبی با حرف زدن و معاشرت زوجهای آینده در طول دوران نامزدی شان مخالفت چندانی ندارند. در طول این جلسات، از طرف مقابل خود باید سوال بپرسید. سوالهای تعیین کننده. این سوالها از هر فرد به فرد دیگر فرق می کند اما به عنوان نمونه چهار تا پنج مورد از آنها را برایتان می گوئیم:

(الف) می توانید بپرسید: هدف شما در زندگی چیست؟ سه تا از بزرگترین آرزوهای زندگی تان را بگویید .

(ب) مثلاً: هدف شما از ازدواج چیه؟ چرا می خواهید با من ازدواج کنید؟

(پ) من شغلم ایجاب می کند که در خارج از منزل کار بکنم. می خواستم بدانم راجع به این موضوع چی فکر می کنی؟

(ت) در خانه پدر و مادری شما تقسیم کارهای منزل به چه صورت بوده؟ دوست دارید در زندگی ما چطور باشد؟

پرسیدن این سوال ها کمک کننده است، اما فراموش نکنید که ما در دنیای ایده آل زندگی نمی کنیم، بنابراین اگر تصمیمتان بر این شد که با فردی ازدواج کنید (بخصوص برای خانم ها) فراموش نکنید حتماً شرایطی را که برایتان مهم است سر عقد مطرح کرده و تعهد لازم را از همسر آینده تان بگیرید. این تنها سندی است که می تواند در صورت عدم سازش همسران در موارد یاد شده از شما حمایت کند.

از سوال مهم تر، ارتباطات غیر کلامی است. مثلاً اینکه آیا رفتارش طوری که می خواهید با مهربانی و عاطفه هست یا نه؟ آیا آداب اجتماعی را در حدی که برای شما مهم است بلد هست اگر نه، آیا در این حد با او احساس صمیمیت می کنید که این مورد را با او در میان بگذارید؟

علاوه بر آن باید از خودتان بپرسید: از هم صحبتی با او خسته شدید یا لذت بردید؟ اینکه اگر اختلاف نظری پیش آمد می توانید با صحبت کردن مسئله را حل کنید و یا بر سرش به تفاهم برسید؟ آیا می ترسید مسئله ای را با او در میان بگذارید؟ از عکس العمل هایش در مقابل حرف ها و رفتار شما نگران می شوید؟ آن چیزهایی را که شنیدید یا دیدید وقتی به خانه برگشتید، روی کاغذ بیاورید، زیرا برای مرحله آخر یا هفتم باید از آنها استفاده کنید.

7) مرحله آخر جمع بندی وضعیت و گرفتن تصمیم مناسب است. در زندگی هر کسی حداقل یک فرد معتمد وجود دارد. نسبت آن شخص مهم نیست. عقل و تجربه اش مهم است. باهم صحبت کنید و مجموع شرایط را برایش بگویید و بخواهید وضعیت را از دید خودش ارزیابی کند. سعی کنید در ارایه مشاهدات و شنیده هایتان منصف باشید و به اصطلاح سانسور نکنید. بعد با خودتان خلوت کنید. تمام نظرات و تفکرات را کنار هم بچینید و جنبه های مثبت و منفی ازدواج با این فرد را کنار هم مقایسه کنید. آیا جنبه های مثبت به جنبه های منفی می چربند؟ آیا چیزی در نکات منفی هست که خیلی برا یتان مهم باشد و بخاطرش بخواهید از طرف بگذرید؟ ممکن است چیزهایی را که شنیدید قبول نداشته باشید که ایرادی ندارد. هرکسی نظر خودش را دارد، ولی در نهایت این زندگی شماست. تصمیم آخر را خودتان بگیرید و آن را به پدر و مادران اعلام کنید.

می توانید وقتی نتیجه تصمیمتان را به پدر و مادران می گوئید دلایل خودتان را هم بگویید که بدانند این تصمیم را عاقلانه گرفتید و جوانب آن را سنجیده اید.

مراحل بالا توصیف یک فرایند عقلانی و منطقی بود. ازدواج در زندگی فرد یک تصمیم خیلی مهم است. ازدواج موفق می تواند تمام توانایی های بالقوه فرد را شکوفا کند و ازدواج نا موفق می تواند منابع غنی درون وجود یک نفر را به صفر برساند. هستند کسانی که فقط از روی احساسشان ازدواج کردند و خوشبخت شدند ولی تعداد کسانی که خوشبختند و این تصمیم را با چشم های باز و با در نظر گرفتن همه جوانب گرفتند بیشتر است.